



Communist Youth Organization

سازمان جوانان کمونیست

جوانان کمونیست ۳۲۱

به سردبیری:

مصطفی صابر و سامان احمدی

۱ آبان ۱۳۸۶

۲۳ اکتبر ۲۰۰۷

ahmadi18@yahoo.com mosaber@yahoo.com

سه شنبه ها منتشر میشود

Tel: 001 604 730 55 66



www.cyoiran.com

سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

آینده از آن ماست!

دانشجویان پلی تکنیک با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، مرگ بر دیکتاتور و سوسیالیسم یا بربریت به مقابله با تعرض حکومت اسلامی برخاستند



دانشجویان خواهان برچیده شدن بسیج دانشجویی از

صفحه ۲

با ازدیاد جمعیت دانشجویان با بالا بردن عکس دانشجویان زندانی به علاوه پلاکاردهایی با شعار های "دانشجویان زندانی را آزاد کنید"، "احمدی نژاد! یاران دبستانی ما را آزاد کن" ادامه یافت. در ادامه تظاهرات دانشجویان از دانشگاه های مختلف به خواندن بیانیه هایی از دانشگاه های تهران، شریف، خواجه نصیر و "فعالان و دانشجویان چپ دانشگاه های تهران" پرداختند. در ادامه یکی از دانشجویان پلی تکنیک "بیانیه دانشجویان سوسیالیست" را قرائت کرد که با استقبال دانشجویان مواجه گردید. در ادامه این تظاهرات

امروز ۳۰ مهر دانشگاه پلی تکنیک صحنه اعتراض پرشور دانشجویان علیه سیاست زندان و شکنجه و سرکوب حکومت اسلامی بود. دانشجویان دانشگاه پلی تکنیک به همراه تعدادی از دانشجویان سایر دانشگاه ها که تعدادشان به بیش از ۵۰۰ نفر می رسید امروز در دانشگاه پلی تکنیک و اطراف آن دست به تجمع اعتراضی زدند و بار دیگر علیه سیاست های سرکوبگرانه حکومت شعار دادند و با پلاکاردهائی مطالبات آزادیخواهانه مردم ایران را برافراشتند. تجمع که از ساعات اولیه امروز شروع شده بود حوالی ظهر

با من فریاد بزن! زنده باد سوسیالیسم، زنده باد حزب!

سعید وند بیگی

باز هم برافراشتن پرچمهای سرخ در دانشگاههای ایران ۱۰۰۰ این بار در پلی تکنیک. ما در پلی تکنیک عکس احمدی نژاد را آتش زده ایم، او را دیکتاتور، فاشیست و عامل تبعیض و فساد خوانده ایم. همین چند روز پیش سونامی قبیله کیهانی ها را با فریادهای مرگ بر دیکتاتور از در پشتی دانشگاه بیرون کردیم و امروز باز هم واقعه ای از رنگ و بوی خود خلق کرده ایم. باز هم سوسیالیسم یا بربریت بالا رفت، باز هم آزادی و برابری خواسته شد و یازهم شیخ کمونیسم به پرواز درآمد. تحکیم با اجازه چپ بیانیه میخواند وصف اول در دست سوسیالیستهای دانشگاه است.

اینها واقعیتهایی است که در جامعه ما رخ میدهد... آنان که تا دیروز در کنار اعدام می ایستادند و رگ گلویشان پشت رادیو بلند میشد که به اعدام اعتراض نکنید فریاد زندانیان تقلبی است، امروز واقعیت را سانسور میکنند. شکست طلبان فریاد وا

صفحه ۲

مینا احدی به عنوان سکولار سال برگزیده شد

سکولار سال کرده و از میان آنها ۵ نفر انتخاب شدند. از میان این ۵ نفر روز شنبه ۲۰ اکتبر مینا احدی به عنوان سکولار سال برگزیده شد. دو سال قبل مریم نمازی از طرف این نهاد به عنوان سکولار سال برگزیده شد بود.

در مراسم امسال روز شنبه ۲۰ اکتبر ابتدا "کیت پارت شیروزود" مسول جامعه سکولارهای انگلیس به حاضرین خوشامد گفت و بعد از اجرای چند آهنگ از طرف یکی

صفحه ۲

روز شنبه ۲۰ اکتبر ۲۰۰۷ در شهر لندن، طی مراسم با شکوهی مینا احدی بعنوان سکولار سال برگزیده شد. جامعه سکولار انگلیس هر ساله از میان شخصیتهای جهانی يك نفر را به عنوان سکولار سال انتخاب میکنند. امسال هم طبق روال هر ساله از میان شخصیتهای جهانی و سکولار ابتدا ۱۰ نفر را کاندید



سوسیالیسم را متشکل کنیم!

در حاشیه اعتراضات امروز دانشجویان در دانشگاه پلی تکنیک

نه تنها اعتراض به سرکوب و شکنجه و اعدام بود بلکه برای چندمین بار و در شرایطی متفاوت از گذشته سوسیالیسم را به عنوان آلترناتیو بربریت اسلامی و سرمایه داری موجود قرار داد. در شرایطی که خیلی از نیروهای اپوزیسیون و سرنگونی طلب سیاست سرکوب و ایجاد

نوید مینائی

اعتراض امروز دانشجویان در دانشگاه پلی تکنیک بعد از آن همه بگیر و بسند و تلاش حکومت برای سرکوب و ارباب جامعه امروز برای چندمین بار و به صورت جانانه ای جواب محکم و تعیین کننده ای به سیاست سرکوب جمهوری اسلامی داد. این اعتراض

از عاب حکومت اسلامی را از خود رژیم هم گویا جلی تر گرفته اند و پیروزی را اعلام کرده اند و جنبش سرنگونی طلبانه مردم را شکست خورده اعلام می کنند، برخی دیگر شانس پیروزی را هنوز برای ملی اسلامی ها و سوسیالیست ها در چنین شرایطی یکسان می دانند و از طرفی حکومت هم با آن همه قناره کشی هایش در مقابل مردم و کارگران و دانشجویان مستاصل است، حرکت امروز دانشجویان

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تبریک به مینا احدی سکولاریست سال

نهادهای علیه اسلام سیاسی و علیه دخالت مذهب در دولت و در زندگی اجتماعی انسانها فعالیت میکنند. یک دستاورد ارزشمند و یک گام دیگر بجلو است. این موفقیت را به همه شما عزیزان تبریک میگویم و دستتان را به گرمی میفشارم. با امید پیشروها و موفقیتهای بیشتر در مبارزه علیه مذهب در ایران و در سراسر جهان.

حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اکتبر ۲۰۰۷

احدی در پایان از ضرورت همکاری و فعالیت های گسترده سکولارها در دنیا در دفاع از سکولاریسم صحبت کرد. این سخنان با تشویق پرشور حاضرین روبرو شد و بعد از پایان مراسم بسیاری از حاضرین مینا احدی را در آغوش گرفته و برای او و فعالیت هایش آرزوی موفقیت کردند.

انتخاب مینا احدی بعنوان سکولار سال یک موفقیت مهم برای فعالین ضد مذهب و سازمانهای اکس مسلم محسوب میشود.

سازمان اکس مسلم - آلمان
۲۲ اکتبر ۲۰۰۷
<http://www.ex-muslime.de>

روی این تابلو انداختند تا بمب دیگری از نوع ۱۶ آذر سوسیالیستی منفجر نشود. هرچه به پیش میرویم کم راست بیشتر میشکند. رادیکالیسم، سرسختی و سازش ناپذیری در این اعتراضات موج میزند، اینها خصلت و نتیجه محبوبیت کمونیسم کارگری در میان توده هاست که هر چه بیشتر جامعه را به سوی رهایی و آزادی سوق میدهد.

پس با من فریاد بزن
زنده باد مبارزه متحدانه دانشجویان
زنده باد حزب کمونیست کارگری
زنده باد سوسیالیسم!

مینا عزیز
انتخاب تو بعنوان سکولاریست سال از جانب جامعه سکولار انگلیس را صمیمانه تبریک میگویم. این انتخابی کاملاً بجا و شایسته و نشاندهنده اهمیت و جایگاهی است که فعالیتهای خستگی ناپذیر تو علیه اسلام سیاسی، در مقام مسئول کمیته بین المللی علیه اعلام، کمیته علیه سنگسار و کمپین اکس مسلم، در میان آزادیخواهان و سکولاریستهای دنیا یافته است. این انتخاب برای تو، برای رفیق مریم نمازی که دو سال قبل بعنوان سکولار سال انتخاب شد و برای کلیه رفقای که در این کمپینها و

نوشته است: "برای اینکه رفتارهای تروریسم اسلامی را متوقف کنیم کلیدش این است که زنان آگاه شوند. و مینا احدی به عنوان یک لیدر پر شور در این راه فعالیت می کند و می خواهد آن را خاتمه بدهد. اکس مسلم های که در مقابل اینها ایستاده اند شایسته این هستند که به خاطر فعالیتشان از طرف ما بیشترین قدرانی را دریافت کنند و در جلوی این صف پرافتخار مینا احدی قرار دارد." داو کینز مینا احدی را رهبر یک جنبش مترقی و انسانی و مدافع حقوق زنان نامیده و بر گریه شدن او را بعنوان سکولار سال تبریک گفته است او همچنین دفاع کامل خود از فعالیتهای سازمان اکس مسلم را در این پیام اعلام کرده است.

**از صفحه ۱
با من فریاد بزن!**
مصیبتا سر داده اند و به دنبال جنبش سازی! میگردند درحالی که جنبش سرنگونی دارد روی ویرانه این راست رویها قدم بر میدارد. مطالبات ۱۶ آذر یک التهاب یا تشنج قومی یا تحریک خارجی نبود بلکه دست نوشته های کمونیسم کارگری روی تابوت راست بود. اعتراضات و مبارزات یکی پس از دیگری از آن ماست و غافلان کاروان اصلاحات تازه تازه "بسوی حزب" میروند! راست از چوب و کاغذ تابلوهای سوسیالیسم یا بربریت نیز هراس دارد، فدائیان راست خود را

آن ها چندین پلاکارد سرخ دیگر با شعارهای: "مرگ بر دیکتاتور" و "سوسیالیسم یا بربریت" حمل میکردند. سازمان جوانان کمونیست از دانشجویان سراسر کشور می خواهد با پیوستن به این اعتراضات صفوف مبارزه و تعرض به سیاست های سرکوب جمهوری اسلامی را قدرتمند تر کنند و به دفاع از مطالبات بحق دانشجویان پبلی تکنیک و سایر مطالبات دانشجویی و نیز مطالبات آزادیخواهان مردم ایران برخیزند.

زنده باد مبارزات دانشجویان
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
سازمان جوانان کمونیست
۳۰ مهر ۸۶، ۲۲ اکتبر ۲۰۰۷

بودند. دانشجویان داخل پلی تکنیک و دانشجویان بیرون برای شکستن درب دانشگاه توانستند صفوف نیروهای حراست و انتظامات و نیروهای انتظامی بیرون دانشگاه را بشکنند و به در ورودی دانشگاه حمله کنند که با حمله گارد ضد شورش مواجه شدند و موفق به شکستن درب نشدند. بنا به گزارش ویلاگ آوای دانشگاه، در تجمع امروز دانشجویان پلاکاردهایی با شعارهای: "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "جنگ نه"، "دانشجو، کارگر معلم اتحاد اتحاد"، "محمود صالحی و منصور اسالو آزاد باید گردند"، "هر گونه دخالت خارجی محکوم است"، "پیش به سوی تشکل مستقل دانشجویی"، "نان صلح آزادی" و در کنار

فعالتهای درخشان مینا احدی در دفاع از سکولاریزم و حقوق انسان است. در پایان این بیانییه آمده است: برای جامعه سکولار انگلیس جای بسی خوشحالی است که مینا احدی این فعال پیگیر و خستگی ناپذیر را به عنوان سکولار سال انتخاب می کند. ریچارد داو کینز نویسنده و منتقد سرشناس علیه مذهب که قرار بود این جایزه را به مینا احدی بدهد، متأسفانه به دلیل بیماری در این مراسم نتوانست حضور داشته باشد. اما او طی پیامی از فعالیتهای مینا احدی قدر دانایی کرد و او را لیدر مبارزه علیه اسلام سیاسی دانست. ریچارد داو کینز در بخشی از پیام خود چنین

کارگر و سایر بخش های معترض جامعه آلترناتیو دیگری موجود نیست. نتیجه مبارزه کسانیت که دست را نه به ملی اسلامی ها و نه به حکومت نابخشوده اند، بلکه پیروزی جامعه، پیروزی چپ و کارگر را می بیند، قدرش را می داند و برای رفع نواقص و کمبودهایش، برای سازماندهی تلاش می کند و می داند این تلاش ها ضامن پیروزی مردم و کارگران است. این روز نشان داد سوسیالیسم در دانشگاه ها کاملاً تثبیت شده است و اعتراضات کارگری و دانشجویی و سایر اعتراضات اجتماعی در ایران هم برای رادیکال شدن و به هدف رسیدن بستری مناسب تر از

از صفحه ۱
دانشجویان پلی تکنیک ...

محیط دانشگاه شدند. در تظاهرات امروز پلاکاردهای سرخ "سوسیالیسم یا بربریت"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "اتحاد مبارزه پیروزی"، "جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری و جنبش زنان"، و همچنین شعار "پیش به سوی تشکل مستقل دانشجویی" برافراشته شد و در ادامه تجمع شعار "مرگ بر دیکتاتور" سر داده شد.

دانشجویان از دانشگاه های دیگر به قصد پیوستن به جمع معترضین در بیرون پلی تکنیک حضور داشتند که با مانع نیروهای انتظامی برای ورود به دانشگاه مواجه

از صفحه ۱
مینا احدی به عنوان سکولار سال برگزیده شد

از هنرمندان و اجرای چند برنامه تفریحی، جایزه سکولار سال از طرف نویسنده سر شناس انگلیس جان اسمیت John Smith جایزه مینا احدی تقدیم شد.

در اطلاعیه رسمی جامعه سکولار در این مورد آمده است: مینا احدی سالهای سال است در دفاع از حقوق انسانی مبارزه میکند. تشکیل کمیته علیه سنگسار در سال ۲۰۰۱ و همچنین فعالیت بعنوان سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعلام و فعالیت در "علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زنان" و تشکیل سازمان اکس مسلم در آلمان از جمله

از صفحه ۱
سوسیالیسم را مشکل کنیم!

حرکت دانشجویان در کنار اعتراضات قدرتمند کارگران و مبارزات هر روزه زنان علیه اسلام و حکومت اسلامی نشان داد که جنبش سرنگونی با قدرت به پیش می رود و این قدرت و پیشروی اش نتیجه چپ و رادیکال بودن آنست. تحت تاثیر تلاش سوسیالیست هاست. تحت تاثیر جنبش کمونیسم کارگری و حزب آن است. نتیجه کار کسانیت که معتقدند امروز در ایران و جهان هر اعتراضی اگر بخواهد پیروز شود، از اعتراض برای آزادی زن تا کارگر و دانشجو و... باید چپ و سوسیالیست باشد و برای پیروزی

دوشنبه، لحظه به لحظه!

گزارش لحظه به لحظه آوای دانشگاه از تجمع دوشنبه در پلی تکنیک از ساعات ابتدای صبح تا ساعت



از ساعات ابتدای روز دوشنبه ۳۰ آبان بنا به فراخوانی که از روزهای گذشته به صورت گسترده در میان دانشجویان پلی تکنیک پخش شده بود و مورد حمایت دیگر دانشجویان دانشگاه های تهران قرار گرفته بود. امروز ساعت ۲ قرار است برگزاری تجمع و تریبون آزادی در اعتراض به صدور احکام ۳ دانشجویی زنانی و ادامه بازداشت دیگر دانشجویان زندانی برگزار شود.

بنا به اخبار رسیده به آوای دانشگاه از ساعات ابتدایی صبح امروز حضور نیروهای امنیتی و اطلاعاتی به صورت محسوسی در درون دانشگاه پلی تکنیک و اطراف آن چشم گیر بود به صورتی که درب خیابان ولی عصر به طور کامل بسته شده است و درب خیابان حافظ کاملاً کنترل می شود به صورتی که تنها جا برای حرکت یک نفر وجود دارد و نیروهای حراست کاملاً چهره افراد را با عکس کارت دانشجویی پلی تکنیک چک می



از ساعت ۱۱ تا ۱۱:۳۰

دانشجویان پلی تکنیک با هماهنگی های انجام گرفته، فراخوان تجمع امروز را به صورت گسترده پخش کردند. در این میان برخوردهایی نیز از طرف حراست با دانشجویان صورت گرفته است. با این وجود اکثریت زیادی از دانشجویان از تجمع امروز مطلع شده اند و به هر نحو ممکن به دوستان خود نیز خبر دادند. در این میان نشریه راه رهایی و خبرنگار امیرکبیر و فراخوان "تریبون آزاد ستاره های دریند" و فراخوان دانشجویان سوسیالیست پلی تکنیک در سطح گسترده ای پخش شده است.

دانشجویان در دسته های چند نفره در جلوی سلف سرویس مرکزی دانشگاه تجمع خود را آغاز کرده اند، دانشجویان دیگر دانشگاه ها همچنان با تلاش بسیار به هر نحو ممکن خود را به درون دانشگاه می رسانند، تا لحظات دیگر تجمع به صورت رسمی آغاز خواهد شد.

از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰

تجمع با سردادن سرود یاردهستانی آغاز شد. بیش از ۵۰۰ نفر از دانشجویان با سردادن سرود یاردهستانی تجمع را آغاز کردند. شعار "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "دانشجو دانشجو اتحاد اتحاد" سر داده شد. هر لحظه به جمعیت تجمع کننده افزوده می شود در این میان عکس های ۳ تن از دانشجویان زندانی پلی تکنیک به همراه شعار آزادی آنان در میان جمعیت به چشم می خورد. همچنین پلاکارد هایی از طرف دانشجویان بالا برده شده است که روی برخی از آن ها شعار های با مضامین ذیل دیده می شود: "دانشجویان زندانی را آزاد کنید" احمدی نژاد! یاران دیستانی ما را آزاد کن" و...

در این میان جمعی از دانشجویان علامه نیز شعارهایی در محکومیت ادامه بازداشت دانشجویان زندانی همراه آورده اند. و همچنین شعارهایی در مورد احکام تعلیق گسترده ای که در دانشگاه علامه صورت گرفته است. و یکی از دانشجویان تعلیقی به سخنانی پرداخت. همچنین مجید شیخ پور از طرف انجمن منتخب پلی تکنیک در صحبت هایی انجمن بسببجی را محکوم کرد و در ادامه نیز دانشجویان شعار انجمن بسببجی منحل باید گردد را سر دادند.

در این میان تعداد زیادی پلاکارد سرخ نیز

اطلاعیه شماره ۱۷

فریدون نیکوفر از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه بعد از ۱۰ ساعت بازداشت، آزاد شد

ساعت شش بعد از ظهر دیروز شنبه ۲۸ مهر فریدون نیکوفر از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه که برای بازجویی به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی در شوش احضار شده بود، با اولتیماتوم کارگران آزاد شد. در اطلاعیه قبل به اطلاع رسانیم که اطلاعات جمهوری اسلامی از فریدون نیکوفر خواسته بود که ساعت هشت و نیم صبح شنبه برای بازجویی به وزارت اطلاعات شوش مراجعه کند. در این روز همزمان با مراجعه فریدون نیکوفر به اطلاعات شوش، کارگران در مقابل دفتر مدیریت جمع شدند و اعلام کردند که اگر تا یک ساعت بعدی را آزاد نکنند کارگران دست به اعتصاب خواهند زد. هنگام بعد از ظهر از جانب مدیریت به کارگران گفته شد که فریدون آزاد شده است اما کارگران وقتی برای ملاقات او به منزلش مراجعه کردند متوجه شدند که او هنوز در بازداشت است و آزاد نشده است. کارگران بلافاصله اخطار کردند که اگر فریدون تا شب آزاد نشود روز یکشنبه ۲۹ مهر همه ۴۰۰۰ کارگر نیشکر دست از کار خواهند کشید. مدیریت که با تهدید کارگران مواجه شده بود قبول داد که موضوع را پیگیری کند. سرانجام تحت فشار این اعتراضات و ترس از اعتصاب و تجمع ۴۰۰۰ کارگر، اطلاعات جمهوری اسلامی ناچار شد فریدون نیکوفر را آزاد کند و او حدود ساعت شش بعد از ظهر به منزلش بازگشت و امروز در میان استقبال و خوشحالی وسیع همه کارگران به سر کار رفت.

کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که در پایان مهلت تعیین شده پانزده روزه اگر خواسته هایشان پاسخ داده نشود دوباره

اعتصاب خواهند کرد. کارگران نیشکر هفت تپه خواهان پرداخت طلب های خود بابت بن و پاداش اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برشمردن کار آنها جزو کارهای سخت و زیان آور هستند. و اعلام کرده اند که هر پنجشنبه ساعت ۱ تا ۲ عصر جمع میشوند تا در مورد وضعیت کاری خود و مبارزاتشان تصمیم بگیرند و مجمع عمومی خود را تشکیل واقعی و حق مسلم خود میدانند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که اگر به تهدیدات و فشار به فعالین کارگری در این مجتمع ادامه داده شود و در مقابل هر مورد از احضار و دستگیری کارگران دست به مقابله متحده خواهند زد. مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه ادامه دارد.

اقدام متحد کارگران نیشکر هفت تپه برای مقابله با فشارهای حکومت توحش اسلامی و کارفرما، یک حرکت بسیار مهم و آموزنده است که باید سرمشق همه کارگران در مقابل سیاست سرکوب و تهدید و فشار جمهوری اسلامی قرار گیرد. این حکومت و کل خیل مفت خور سرمایه داران تنها با قنرت متحد ماست که به خواسته های بحق ما گردن میگذارند. و این حقیقت را مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه تا اینجا بروشنی نشان داده است. ما آزادی فریدون نیکوفر و عزم متحد کارگران نیشکر را ارج مینهیم و به همه کارگران این کارخانه صمیمانه درود میفرستیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد اتحاد کارگری

آزادی برابری حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مهر ۱۳۸۶ - ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷

شعار مرگ بر دیکتاتور بارهای سرداده شد. همچنین بیانیه انجمن منتخب پلی تکنیک، دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب، دفتر تحکیم وحدت نیز پخش شد. در کنار آن نیز بیانیه جمعی از دانشجویان و فعالان چپ نیز به صورت گسترده ای در

دیده می شود که بر روی آن ها شعارهایی از قبیل: اتحاد مبارزه پیروزی "جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری و جنبش زنان" زندانی سیاسی آزاد باید گردد " دانشجوی زندانی آزاد باید گردد " و همچنین شعار "پیش به سوی تشکیل مستقل دانشجویی". در ادامه تجمعی

فراخوان حزب کمونیست کارگری:

علیه ترور یک فعال کارگری در سندج قاطعانه بایستیم!

روز گذشته پنجشنبه ۲۶ مهر ماه مجید حمیدی یکی از فعالین کارگری در شهر سندج مورد سوء قصد عوامل نقاب پوش جمهوری اسلامی قرار گرفت و به شدت مجروح شد و اکنون در بیمارستان امیر اعلم تهران بستری است. (مشروح خبر این ترور به نقل از "کمیته دفاع از محمود صالحی" که مجید حمیدی عضو آن است در زیر آمده است)

توانسته است موقعیت رژیم اسلامی را در برابر مردم به جان آمده بهبود ببخشد. برعکس، این اقدامات به اعتراض وسیع بین المللی و گسترش حمایت جهانی از مردم ایران منجر شده است. تظاهرات ۹ اوت امسال که برای دفاع از محمود صالحی و منصور اسانلو در دهها شهر جهان برگزار گردید، اعتراضات گسترده در ۷ سپتامبر و ۱۰ اکتبر و رسوا شدن جمهوری اسلامی به خاطر اعدام ها و جنایات ییشمارش جوابی است که رژیم در سطح جهانی دریافت کرده است. در داخل کشور پاسخ مردم به موج اخیر سرکوب و جنایت حتی قاطعانه تر بوده است. هو کردن مجدد احمدی نژاد در ۱۶ مهر در دانشگاه، مارش پر قدرت کارگران هفته تپه برای گرفتن حقوق خود، اجتماعات و تظاهرات وسیع در دفاع از حقوق کودک که بویژه بزرگترین اجتماع آن در سندج بود، اعلام این حقیقت مسلم است که رژیم علیرغم وحشیگری هایش با موج رویه گسترش اعتراضات مردم علیه خود روبرو است. اعتراضاتی که دمدم چپ ترو رادیکالتر و سازمان یافته تر میشود و مهر طبقه کارگر را بر خود دارد. رژیم اسلامی فی الحال این نبرد را در وجه سیاسی آن باخته است و تنها راه بقا، خود را در ابداع اشکال نوین و وحشیانه تر سرکوب و ارباب جامعه جستجو میکند.

ترور یک فعال کارگری شهر سندج را باید در این متن مبارزه کارگران و مردم برای رهایی از شر رژیم دید و در همین متن مقابله قاطع با آن اهمیت عملی زیادی دارد. باید به جمهوری اسلامی نشان داد که بکارگیری این حربه نیز تنها موج وسیعتری از اعتراض را دامن می زند. همه زنان و مردان آزاده در همه جا و بویژه در سندج باید به این جنایت اعتراض کنند، جمهوری اسلامی را محکوم کنند و خانواده مجید حمیدی را در آغوش حمایت و همبستگی فعال خود بگیرند. جوانان و بویژه دانشجویان در سراسر کشور باید به ترور مجید حمیدی اعتراض کنند و مصرانه خواهان دستگیری و مجازات عاملان این جنایت شوند. باید به عیادت او در بیمارستان امیر اعلم تهران رفت و فعالانه نشان داد که این ترور با موج وسیع اعتراض پاسخ میگیرد. کارگران سراسر کشور باید با صدور اطلاعیه ها و بیانیه ها و برپایی مجامع عمومی خود ترور مجید حمیدی را محکوم کنند و خواهان آزادی فوری محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی شوند. جمهوری اسلامی باید ببیند که ترور یک فعال سیاسی و کارگری نه رعب و وحشت که موج وسیعتری از اعتراض و تعرض را دامن میزند. این تنها راه مقابله با ترور این حربه کثیف رژیم اسلامی است.

کارگری و مترقی در جهان، و همه نیروهای سیاسی آزادیخواه را فرا میخواند تا فعالانه به ترور روز گذشته (پنجشنبه) در سندج اعتراض کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ اکتبر ۲۰۰۷، ۲۷ مهر ۱۳۸۶

ضمیمه، متن اطلاعیه "کمیته دفاع از محمود صالحی"

سوقصد به جان مجید حمیدی از فعالین کارگری در کردستان

امروز پنجشنبه مورخ ۲۶/۷/۱۳۸۶ ساعت ۹ صبح مجید حمیدی فعال کارگری و از اعضا "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" و "کمیته دفاع از محمود صالحی" مورد سوء قصد قرار گرفت.

ماجرای این قرار است که سه نفر لباس شخصی که دو نفر از آنها سوار بر یک موتور سیکلت بوده و هر سه نفر صورت خودشان را با جوراب نازک پوشانده بودند، مجید حمیدی را در نزدیکی خانه خودش در حال رفتن به سر کار صدا میزنند. به محض اینکه مجید حمیدی سرش را به طرف آنها برمیگرداند، وی را مورد تیراندازی قرار میدهند. مجید حمیدی هم برای نجات جان خود فرار میکند که در حین دور شدن از واقعه، هفت گلوله به او اصابت میکند که بیشتر گلوله ها به بازوی راستش برخورد کرده است.

گفتنی است که شخصی که مجید حمیدی را صدا زده است، لهجه کردی- لری داشته است.

مردم بعد از شنیدن صدای تیر اندازی در

محل حاضر میشوند و مجید حمیدی را در ساعت ۹:۳۰ صبح به بیمارستان شهر سندج انتقال میدهند. از آنجا که یکی از گولوها به گردن مجید حمیدی اصابت کرده است و بنا به پیشنهاد پزشکان، وی را در ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر به بیمارستان "امیر اعلم" در شهر تهران انتقال میدهند. هم اکنون مجید حمیدی در بیمارستان "امیراعلم تهران" بستری است و حال وی کاملاً وخیم گزارش شده است. به گفته خود مجید حمیدی "این کوچکترین بهائی است که کارگران و فعالین کارگری در ایران تا رسیدن به خواستها و مطالبات خودشان باید پرداخت کنند"

لازم به ذکر است که در همین راستا، دیروز مورخ ۲۵/۷/۱۳۸۶ یک نفر لباس شخصی به جلوی درب خانه آقای بهزاد سهرابی فعال کارگری، سخنگوی "کمیته دفاع از محمود صالحی" و عضو "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" رفته که بر حسب اتفاق بهزاد سهرابی در خانه نبوده است.

ما ضمن محکوم کردن این حرکت، خواهان شناسایی و محاکمه عاملین آن شده و از همه کارگران، فعالین کارگری و انسانهای عدالتخواه و برابری طلب در سراسر جهان میخواهیم که ضمن محکوم کردن این حرکت غیر انسانی، خواستار پایان یافتن ایجاد فشار، رعب و وحشت علیه کارگران و فعالین کارگری شوند.

کمیته دفاع از محمود صالحی

۲۶ مهر ماه ۱۳۸۶

www.kdmahmodsalehi.blogfa.com

از صفحه ۳

دوشنبه، لحظه به لحظه!

میان دانشجویان پخش شد.

از ساعت ۱۲:۳۰ تا ۱۳

جمعی از دانشجویان دیگر دانشگاه ها که موفق نشدند خود را به داخل دانشگاه برسانند در مقابل درب ولی عصر تجمع کرده اند که بین آنان و نیرو های امنیتی درگیری های پراکنده ای صورت گرفت که منجر به بازداشت تنی چند از آنان شد. اسامی دقیق بازداشتی ها را متعاقباً اعلام می کنیم.

در پایان تریبون آزاد یکی از دانشجویان پلی تکنیکی ضمن ایراد سخنرانی خبر تجمع و بازداشت دیگر رفقای دانشجو در مقابل درب ولی عصر را داد و دانشجویان قصد دارند بعد از اتمام تریبون به سمت درب ولی عصر تظاهرات کنند.

از ساعت ۱۳ تا ۱۴

بعد از اتمام تریبون آزاد و اعلام خبر

"نان صلح آزادی" و در کنار آن ها چندین پلاکارد سرخ دیگر که بر روی آن این دو شعار نوشته شده بود:

" مرگ بر دیکتاتور " " سوسیالیسم یا بربریت "

به سمت درب اصلی ولی عصر حرکت کردند. در مقابل درب ولی عصر از داخل نیرو های حراست و از خارج نیروی های امنیتی و انتظامی تلاش داشتند که دانشجویان به درب نزدیک نشوند اما دانشجویان صف آنان را شکسته و با حرکتی منسجم قصد شکاندن درب دانشگاه را داشتند که با دخالت نیروی های یگان ویژه از بیرون موفق نشدند.

از ساعت حدود ۱۳:۳۰ دقیقه به بعد دانشجویان تظاهرات خود را با سردادن

شعار هایشان به سمت صحن اصلی دانشگاه بردند و تظاهرات دانشجویان همچنان ادامه دارد.

ساعت ۱۴ به بعد

دانشجویان با سرود خوانی و سردادن شعار ها به سمت محل آغاز تجمع رفته اند و بعد از چند دقیقه با تشکیل حلقه ای سرود یار دبستانی را خوانند. آخرین اخبار رسیده به آوای دانشگاه حاکی از آن است که تجمع به آرامی پایان یافته و دانشجویان بدون درگیری و با تصمیم جمعی خود تجمع را پایان دادند.

خبر آخر رسیده حاکی از آن است که تمامی دستگیر شدگان آزاد شده اند.

"جنگ جهانی سوم" و نقش ما!

مصطفی صابر

۱ جرج بوش گفته است اگر جلوی برنامه اتمی جمهوری اسلامی گرفته نشود جنگ جهانی سوم میشود! اینرا بعد از این گفت که پوتین پنج کشور حاشیه دریای مازندران را جمع کرد و در بیانیه پایانی نشست گفت که ما دیگر جهان یک قطبی نمی خواهیم. بعد هم موشک های اتمی اش را به رخ کشید. یعنی اینکه روسیه سهم بیشتری در دنیا میخواید. چین هم حمایت آمریکا از دالای لاما را بهانه قرار داده و در نشست کشورهای ۵+۱ شرکت نکرده است یعنی بورژوازی دولتی چین هم از سهم خود راضی نیست چند وقت پیش هم رئیس جمهور جدید فرانسه که خیلی عشق آمریکایه به کله اش زده از دهنش در رفته بود که جنگ میکنیم یعنی ما سف و سخت با آمریکاییم تونی بلر هم، گرچه نخست وزیر انگلیس نیست اما انگار هنوز به جای او حرف میزند، گفته که اوضاع جهان مثل شرایط ظهور فاشیسم (جنگ جهانی دوم) است. سیاستمداران و مقامات نظامی قد و نیم قد و ژورنالیست های و مفسران گوناگون از البرادعی و مقامات واتیکان گرفته تا فلان ژنرال باز نشسته و باز نشسته و غیره همه دارند از خطر جنگ صحبت میکنند. شیخ نشین های خلیج هم گویا دارند سپر موشکی به تن میکنند و برای بدترین شرایط آماده می شوند. سران سپاه پاسداران هم به سهم خود تعداد راکت هایی که در ساعت اول جنگ به هدفهای آمریکایی در منطقه شلیک میکنند را می شمارند و همه اینها بر متن این شرایط است. اوضاع عراق همچنان بلبشو است. اوضاع افغانستان رو به وخامت است. پاکستان و ژنرال مشرف هم هیچ وضع تعریفی ندارد. ترکیه و دولت اسلامی اش خیال حمله به شمال عراق دارد. وضع فلسطین بهم ریخته است و رسماً بین اسلامی ها و ملی ها تقسیم شده و چشم انداز دولت فلسطینی تیره و تار است و .. همین ها کافی است که پرسیم چه اتفاقی دارد می افتد؟ جنگ جهانی سوم میخواید بشود؟ ولی وضع فعلی آیا خودش یکجور جنگ جهانی نیست؟ ولی نه از این خیلی بدتر میتواند بشود!

۲ آمریکا شروع شد. ولی از همان اول معلوم بود که "نظم نوین جهانی" یک وضعیت ناپایدار است و تنها به زور قلمری نظامی آمریکا که پایه مادی اش را روز به روز از دست میدهد دوام دارد. بعد یازده سپتامبر شد و جنگ تروریستها قد علم کرد. جنگ اسلام سیاسی و تروریسم دولتی غرب که گویا این شد محل پیشبرد نظم نوین جهانی. برای مدت کوتاهی همه قدرت های سرمایه داری پشت "جنگ علیه تروریسم" بوش و "دفاع از دموکراسی" قرار گرفتند و به عبارت دیگر دنلان روی جیگر گذاشتند تا ببینند بعد چه میشود. اما حالا بخصوص بعد از جنگ عراق و موقعیت نامطمئن آمریکا و بعنوان سرممار تروریسم اسلامی، این وضع دارد عوض میشود. دیگر جنگ تروریستها دوره اش پایان می یابد و در واقع نظم نوین جهانی با سر به سنگ میخورد. حالا باید تکلیف دنیای نامتعادل بعد از جنگ سرد بالاخره معلوم شود. چنین است که قدرت های بزرگ سرمایه داری صف کشیده اند تا ببینند در این جهان جدیدی که دارد شکل میگیرد سهم شان چیست. یکی از جنگ جهانی سوم میگوید، یکی اوضاع جنگ جهانی دوم را یاد آور میشود و یکی دالای لاما را بهانه قهر کردنش میکند و آن یکی میخواید بگوید اگر سهم مرا بدهید پروژه اتمی جمهوری اسلامی را متوقف میکنم و غیره. یک بازار جهانی مبادله قدرت و اینجا پول و اعتبار و سفته حکومت نمی کند، خون و آتش و بمب فرمان میراند.

۴ اما چه کسی تکلیف دنیا را معلوم میکند؟ قدرت های بزرگ سرمایه داری؟ آمریکا و اروپا و روسیه و چین و ژاپن؟ بوش و پوتین و سارکوزی و بلر و خامنه ای و...؟ این چیزی است که ژورنالیست ها و کارشناس ها و سیاستمداران و پرفسورها و کشیش ها و آخوندها و بسیاری از روشنفکران و احزاب سیاسی، چه راست و چه به اصطلاح چپ سعی میکنند به عنوان حقیقت مسلم به خود ما بدهند. آنقدر بدبختی است که اصلاً سوال کردن در باره آن هم ابلهانه به نظر میرسد و به تمسخر گرفته میشود. اما دقیقاً همین فرض مسلم حضرات است که بزرگترین دروغ عصر ماست. درست این همان چیزی است که محاسبات آنها را بر هم میزند. چه دنیای دو قطبی غرب و شرق - دوره دولت

ولفر و "جهان آزاد" غرب در برابر کمونیسم اردوگامی شرق، و چه دوره نظم نوین - بالا گرفتن قومیت و مذهب و نسبیست فرهنگی و از گور بیرون آمدن همه موممایی های تاریخ، چه دوره جنگ تروریست ها - ترورهای نیویورک و لندن و غیره و جنگ افغانستان و عراق و به خاک و خون کشیدن مردم لبنان و فلسطین، و چه و اکنون که دوره افول نظم نوین جهانی و بن بست حضرات است، همه اینها علیه ما یعنی اکثریت عظیم مردم جهان، یعنی یک طبقه کارگر عظیم جهانی و توده مردم زحمتکش و شریف و بی حقوق پریا شده است. فقط جنگ آنها با یکدیگر نیست جنگ همه آنها علیه ما است! رجز خوانی بوش و بلر و پوتین و "لنگه کفش" وطنی فقط رجز خوانی برای همدیگر نیست، بلکه اساساً علیه ماست! مساله همه آنها حفظ دنیای وارونه شان در برابر ما است. اصلاً سر این دعوا دارند که کی بهتر حفظ اش میکند. دنیایی که برای ما قابل تحمل نیست. دنیایی که به دست خود ما ولی علیه ما ساخته شده است. دنیایی که حتی اگر ما بخواهیم با آن بسازیم، هرچقدر هم که حوصله به خرج دهیم و تحملش کنیم چنان ضد انسان است و چنان بشریت را به نیستی و تباهی میکشاند که بالاخره یک جایی می ایستیم و جلوی سنگ میسازیم. و این سنگ ها به بهانه تمام جهان در حال ساختن است. خب، خبرش را هر روز از رسانه هایشان نمی گویند. ولی گاه به گاه قدرت عظیمی به میدان می آید و همه را خیره میکند. آخرین نمونه آن "بزرگترین تظاهرات های تاریخ" در مقابل جنگ آمریکا علیه عراق شکل گرفته اینبار به اعتقاد من نیروی دهبار عظیم تر در سراسر جهان بیبار شده و دنبال راه حل میگردد و نقش اساسی ایفاء خواهد کرد.

۵ آیا این ارزیابی خوش خیالی نیست؟ آیا ذهنی خب شما خودتان قضاوت کنید: آیا جنگ جهانی سوم جرج بوش خوش خیالی است یا این ایده که مردم جهان جلوی این رجز خوانی ها را بگیرند؟ آیا شما فکر میکنید جرج بوش بهمین راحتی میتواند مردم آمریکا و بعد غرب را پشت سر خودش به یک جنگ جهانی سوم ببرد؟ فعلاً که در همین جنگ عراق و افغانستان مانده است. نزد بسیاری از مردم آمریکا و از آن بیشتر مردم دیگر کشورهای غرب جرج بوش مثل احمدی نژاد

مورد تمسخر است. آیا رجز خوانی احمدی نژاد که اسرائیل را محو میکنیم نزد مردم ایران جز هزل و هجو وی و مقادیری زیادی توهین و بی انصافی به یک حیوان شریف و دوست داشتنی یعنی میمون، بازتاب دیگری دارد؟ حالا وضع جرج بوش خیلی بهتر از این است؟ میدانم که وضع جرج بوش فرق دارد، ولی آنقدر فرق هست که مردم آمریکا و غرب را پشت سر خودش به جنگ سوم بکشاند؟ بعید است. یا اینکه بلر گفته اوضاع مثل دوره پا گرفتن فاشیسم است. فکر میکنید چه تعداد آدم های با عقل معمولی به این حرف باور میکنند و از وحشت فاشیسم موهوم به دامن بلر و بوش مکار می افتند؟ حتماً این حرفها یک جاهایی خریبار دارد هنوز. اما اگر قرار بود این حرفها در ابعاد وسیع اجتماعی بگیرد که تئوری "جنگ تمدنها" و "پایان تاریخ" خیلی شسته رفته تر و قناری تر از اینها بود و حالا شکست شان توسط خودشان اعلام شده است. اگر این وصله پینه کاریهای مبتذل سیاسی قرار بود نجات بخش باشد پس چرا حضرات چنین در گل گیر کرده اند؟ یا فکر میکنید پوتین میتواند مردم روسیه را با ایده اعاده اوضاع ابرقدرتی روسیه به دنبال خودش به جنگ جهانی سوم جرج بوش بکشاند؟ به نظر من اصلاً آسان نیست همین پوتین با یک ما فیبا بازی تمام عیار به آن بالا رسیده و طبقه کارگر روسیه و مردم آن مملکت بالاخره آن کرایه ناده اند و این چیزها را می بینند و آنها هم میخوانند مثل همه مردم دنیا شاد و آزاد و مرفه باشند. شاید دولت چین بتواند روی ناسیونالیسم چینی سوار شود و قدرت مهبی داشته باشد، ولی آنها هم با سالی چند هزار اعدام دارند میگویند چه جور خودشان را آن بالا نگه داشته اند.

خیلی رنگین، خیلی شلوغ!

منصور حکمت

این نوشته جالب از منصور حکمت را به تازگی در سایت عمومی منصور حکمت که به همت خسرو داور اداره میشود دیدم. از چند جهت جالب توجه است. این نامه پاسخ به سوالاتی است که گرچه خود سوالات اینچنینی نیست، اما میشود آنها را حس زد. و این سوالات همه مربوط به امکان پذیری سوسیالیسم و نحوه به قدرت رسیدن ما و جامعه سوسیالیستی است که میسازیم. پر از نکته های دقیق و سر حال آورنده منصور حکمت است. برای آنها که میگویند خیلی انقلاب انقلاب میکینید خوب است این متن نادر را هم بخوانند. متنی که تقریباً یکسال قبل از مرگش نوشته است. برای آنها که خودشان را چپ و کمونیست و حتی حکمتیست میدانند ولی همان چهارچوبه فکری ملی اسلامی را دارند و سوسیالیسم همین امروز منصور حکمت را هرگز باور نکردند خوب است که این متن را بخوانند. بالاخره آنها که سوال های چپ قدیم و تضاد عمده و فرعی را جلوبمان میگذارند و از مبارزه طبقاتی مارکس یک دکان باز کرده اند خویست درک زنده و علمی و مارکسیستی و در عین حال شورانگیز منصور حکمت از مبارزه طبقاتی را در این مطلب کوتاه ببینند. واقعا خیلی رنگین و خیلی شلوغ است!

در ضمن تیتیر این مطلب در اصل منبع که بالاتر ذکر کردیم چیز دیگری انتخاب شده است. مطلب بدون تیتیر بوده است. تیتیر فوق را ما انتخاب کردیم و در ضمن برای هر پاسخ به سوال هم یک سوتیتر انتخاب کرده ایم. بقیه متن همانست که در سایت منصور حکمت هست. با توضیحات مربوطه. جوانان کمونیست.

رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران
یک نامه در پاسخ به چند سؤال
جناب آقای اسدی
با تشکر مطلبی که خواسته بودید را
منهای متن خود سوالات برایتان فاکس
میکم. امیلوارم خوش و موفق باشید.
منصور حکمت
۱۳ اوت ۲۰۰۱

سوسیالیسم و عقب ماندگی

۱- قبل از هر چیز، فکر نمیکنم با همین مشاهده شما موافق باشم. برای برجسته کردن شاخهای انگلی در اقتصاد ایران امروز، قوری در این تصویر افران کرده آید. بزرگترین بخش جمعیت ایران را کارگران و کارکنان مزدبگیری تشکیل میدهد که در واحدهای تولیدی و خدماتی مختلف کار میکنند. از این گذشته ایران یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت در سطح جهانی است. از نظر تولید و تکنولوژی یک کشور میانه حال در بیرون حاشیه جهان پیشرفته صنعتی است. قشر تحصیل کرده و متخصص وسیعی دارد. یک طبقه کارگر باسواد و از نظر تکنیکی نسبتاً پیشرفته دارد. مشکل اول ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت صنعتی و اقتصادی نیروی انسانی کارآمد و متخصص نیست، بلکه نظام اجتماعی و سیاسی است.

اما در پاسخ سؤال اصلی شما باید بگویم که نه فقط در ایران، بلکه در هر کشور دیگر در دنیای امروز با جهانی شدن تکنیک و تخصص و اطلاعات، نیروی اصلی تکامل و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، انسان آزاد است. انسان رها شده انسانی که اختیار زندگی فردی و جمعی خود را به کف آورده باشد و بتواند توان و خلاقیتش را در خدمت رفع نیازهای خود و جامعه اش آزادانه بکار بیندازد. عقب ماندگی اقتصادی در دنیای امروز بارومتر و شاخص اسارت و انقیاد سیاسی مردم است. فقر علامت بی حقوقی است. عقب ماندگی اقتصادی جامعه نشان فرود رفتگی سیاسی و فرهنگی انسان است. و از این رو در واقع این تنها حزب کمونیست کارگری است که به مسأله عقب ماندگی اقتصادی و تولیدی جامعه پاسخ دارد. یک جامعه آزاد، رها، خوشبین و یک نظام سیاسی که حق و حرمت شهروندان را بالاتر از هر اصلی میداند، مایه یک انفجار عظیم در قدرت آفرینش و سازندگی مردم ایران خواهد شد. آنوقت خواهیم دید که چقدر این مملکت آدم متخصص و توانا دارد. ما لازم نیست از امروز کسی را آموزش بدهیم، ما باید کاری کنیم که موانع سیاسی دخالت مردم در سرنوشت اجتماعی و اقتصادیشان برطرف

شود. انقلاب کارگری، رهایی سوسیالیستی، تنها پاسخ برای اقتصاد ایران است. کسی که میگوید جمهوری اسلامی باید آنقدر در شاهراه اصلاح طلبی ملی-اسلامی پیش برود و اسلام و آخوندیسم در ایران آنقدر پاسنویزه و آمریکائیزه بشود که سرمایه و تکنیک و متخصص آسیای جنوب شرقی و قلب اروپا و آمریکای شمالی را رها کند و به ایران سرازیر بشود، دارد وقت مردم را تلف میکند.

خیلی رنگین، خیلی شلوغ!

۲- ایران سوسیالیستی کشوری پهناور با ۷۰-۶۰ میلیون جمعیت در یکی از حساس ترین نقاط دنیا خواهد بود. جامعه آزاد ما اگر از تهدیدات و توطئههای نظامی مرتجعین در سطح جهانی مصون بماند و وجود خود را به هر حال به سرمایه داری جهانی بقبولاند، آنوقت به عنوان بخشی از همین دنیا، قدرت ها باید با آن کنار بیایند. ما هم با سر به دیوار سنگی این سرمایه داری جهانی حمله نخواهیم کرد. ایران سوسیالیستی سیاستی بسیار هوشمندانه خواهد داشت. به موازات گلوبالیزاسیون (که شخصاً آن را یک وجه اجتناب ناپذیر از سرمایه داری جهانی میدانم و خواهان عقب گرداندن چرخ تاریخ نیستم) شاهد این هم هستیم که شهروندان بخصوص در قلمرو تبادل اطلاعات و سازماندهی فشار به بالا، قدرت عمل بیشتری یافتند. دولتهای غربی حرف آخر را درباره انتقال اطلاعات و تکنولوژی در عصر ما نمیزنند. جمهوری سوسیالیستی در ایران یک جامعه باز، در دسترس مردم جهان و پذیرای تمام سهم گذاری ای خواهد بود که مردم آزاد اندیش جهان، علیرغم میل سران سیاسی دنیای بورژوازی، در آن خواهند کرد. مردم جهان، ایران آزاد را قبله خودشان قرار خواهند داد. عرصه ای برای شکوفا کردن یک مدل آلترناتیو، یک زندگی آلترناتیو. ایران سوسیالیستی یک جامعه خاکستری نخواهد بود. خیلی رنگین، خیلی جهانی، خیلی شلوغ. کانون خلاقترین و پرشورترین و پرمایه ترین چهره های دنیای معاصر از کشورهای مختلف.

انقلاب یک تولد دیگر!

۳- ما با انقلاب سر کار میایم و پروسه انقلابی، فرهنگ و ذهنیات کهنه را

بسرعت نقد و جارو میکند. انقلاب یک نوع تولد دیگر است. چشم کشودنی است به ارزشها و روشهای اساسا متفاوت. مردم انقلاب کرده اصرار دارند از گذشته ای که در هم میکوبند فاصله بگیرند و نو را بیازمایند. در نتیجه من نگرانی ای از این بابت ندارم. ما قرار نیست همین جمهوری اسلامی را تحویل بگیریم و تعدیل و اداره کنیم. این مشکل اصلاح طلبان است. ما همراه یک انقلاب سیاسی و فرهنگی روی کار میایم و همان روند هم مدیران جامعه را، که در سیستم ما خود مردم انقلابی اند بلسست میدهد. انسانها در نظامهای اجتماعی و سیاسی مختلف ظرفیتهای متفاوتی از خود بروز میدهند. به نظر من دشواری اصلی بر سر راه یک دنیای بهتر، نخواستن و یا نتوانستن اعضای جامعه نیست، بلکه موانعی است که نظم موجود بر سر تغییر قرار میدهد. سیستم اجتماعی موجود به هزاران شیوه، از قهر و خشونت عبران توسط ارتش و پلیس، تا ادیان و سنن و ساختار فرهنگی حاکم، از فشار اقتصادی تا مغز شویی در سیستم آموزشی و در رسانه های جمعی، از موجودیت خودش دفاع میکند. اگر این موانع در هم شکسته بشوند، موج ترقی خواهی و انسان دوستی مردم، توسعه اقتصادی و فنی خیره کننده ای بیار میاورد. تمدن کهنه در برابر تمدن نوینی که مدتهاست ممکن و ضروری شده است، به هر قیمت از خودش دفاع میکند. مشکل، عقب افتادگی مردم نیست، ارتجاعی بودن نظام اجتماعی و سیاسی دنیای معاصر است. در ایران این حقیقت را به توان ده میشود دید.

مبارزه طبقاتی و محیط زیست

۴- راستش خیلی وقت بود این اصطلاح "تضاد اصلی" را نشنیده بودم. اگر منظورتان است که آیامد ل طبقاتی در جامعه سرمایه دای معاصر را کلید تحول تاریخی میدانیم، پاسخ مثبت است. اگر چیز مهمی را در دنیا میخواهیم عوض کنیم، این دریچه ورود به مسأله است. اتفاقاً مسأله محیط زیست این واقعیت را آشکارتر و صریحتر از هر موضوع دیگری بنمایش میگذارد. محیط زیست دیگر چیزی نیست که پاسخ فرهنگی و اخلاقی و فردی و کنسوری داشته

باشد. صحبت بر سر رابطه کل نظام تولیدی جهانی بشر با کره ارض است. اگر میخواهیم با کره زمین رفتار متفاوتی داشته باشیم، باید نظام تولیدی را بر مبنای متفاوتی قرار بدهیم. نظامی که در آن طرح و نقشه آگاهانه اعضای جامعه مشخصات روند تولید و تکنولوژی مورد استفاده را تعریف میکند و نه انگیزه سودآوری بنگاههای کاپیتالیستی و جنگ آنها بر سر گرفتن سهم بزرگتر در بازار. اینکه من باتری مصرف شده را در آشغال دانی نیندازم و پیفپاف مصرف نکنم، پاسخ سوراخ عظیم اوزون بالای قطب جنوب نیست. مسأله بر سر اقتصاد سیاسی جهان معاصر است. و این فوراً شما را با سرمایه به معنی وسیع کلمه، با مالکیت طبقاتی بورژوازی و وسایل تولید و ماهیت ابزاری دولت و میدیا برای طبقه سرمایه دار مواجه میکند. نمیشود سرمایه و سرمایه داری را به حال خود گذاشت، اما جلوی تخریب محیط زیست را گرفت. جرج دبلیو بوش صاف و ساده علت مخالفت آمریکا با توافقات کیتو را مضر بودن آن به حال بیزنس آمریکا اعلام میکنند. اگر خصلت مخرب سرمایه داری برای بشریت و تناقض این نظام با شکوفایی جامعه بشری بخواهد مصداقی داشته باشد، همین محیط زیست گویا ترینش است. مبارزه طبقاتی فقط بر سر دستمزد نیست. بر سر جامعه است. بر سر آینده است. مسأله محیط زیست و آینده کره زمین هم به مبارزه طبقاتی گره خورده است.

این متن، جواب به سه سؤال مجله تلاشگران (بدون متن خود سوالات) است که به شکل پرینت شده در آرشیو شخصی اسد گلچینی بوده و توسط خود او تایپ و مقابله شده و در اختیار من قرار گرفته است. متأسفانه تلاش من برای دسترسی به این مجله و به متن سوالات، به نتیجه نرسیده است. تیتیر این متن را من انتخاب کرده ام. فاتح شیخ (ادیتور منتخب آثار)

منتخب آثار منصور حکمت، ضمیمه شماره ۲- آوریل ۲۰۰۷

چارلز دیکنز و کنگره مخفی!

مصطفی صابر



نمی شود امروز را به پایان برد، بدون اینکه لااقل چند کلمه در باره کنگره دوم دوستان انشعابی از حزب ما یعنی "حکمتیست" ها گفته، آخر واقعه فوق العاده مهمی رخ داد و تازه جهان دارد ابعاد آنرا متوجه میشود. من هم اینجا هنوز نمی خواهم وارد بحث نظری و سیاسی جنی بشوم برای اینکه از دنیا عقب نمانم میخواهم لااقل احساسم را بگویم

دوستان سابق ما بعد از دو سه سال فعالیت درخشان و گفتن اینکه مردم خر نشوید و کارگران به کلاه شان چسبیده اند و همه چیز شکست خورده، به کنگره مخفی رفتند تا پاسخ اساسی ترین مسائل جهان امروز را بدهند و بالاخره ببینند کجا ایستاده اند. این تصمیم خیلی تاریخ ساز بود. شش روز هیچ خبری از آنها نبود. بعلا فهییم بیخودی نگران بودیم در تمام این مدت داشتند بحث های داغ و شر بخش مخفی میکردند. بعد از ۶ روز عکس هایشان را دیدیم کمی خیالمان راحت شد. خصوصا که قیافه های خیلی شاداب و مصمم و امیدوار، و جمعیت بسیار زیاد و پرشور و هیجانی که از در و دیوار و سقف کنگره به اطراف می پاشید، واقعا بیننده را بیشتر مشتاق شنیدن بحث ها و نتایج کنگره میکرد. ولی هرچه منتظر شدیم از مصوبات خبری نشد. ما باز نگران شدیم. تقریبا به اندازه خود کنگره طول کشید (البته

نقطه سر خط؟ حالا دوباره میخواهند از کنگره یک شان شروع کنند تا دوباره به کنگره دوم برسند؟

ما که کوروش مدرسی را یک کمی می شناسیم حس میزینم که نتوانسته بحث هایش را به کرسی بنشانند و قایق را به رودخانه "آینده سازان" ببرد. حالا با مانور "به کنگره یک بر میگرددیم" دوباره قایق را به امواج پر تلاطم دریا سپرد. در واقع میخواهد دوباره برای خودش زمان بخرد و کمی قایق را سبک کند. خدا به سر نشیانی پریشان زورق نجات که ما عکس هایشان را دیدیم و غم بزرگی وجودمان را گرفت رحم کند.

راستی چرا نتوانسته بحث هایش را به کرسی بنشانند؟ کسی خط و جهت ایشان را نقد کرده بود و ماهیت اش را نشان داده بود؟ کسی از همان مصوبات روز اول این حزب تا آخر خط شان را خوانده بود و بارها و بارها هشدار داده بود و شکست طلبی ایشان و قرار گرفتن در کنار راست ترین گرایشات را نشان داده بود؟ چرا نتوانست؟

اینها فقط سوال است، "اتهام" و "فحش" نیست، باور کنید. ولی کنگره دوم حزب "حکمتیست" خیلی هم بی دستاورد نبود. اولین دستاوردش - فکر کنم حتی قبل از اینکه عکس ها منتشر شود و قطعا قبل از آنکه بعد از ۵ روز اسامی کمیته مرکزی و ناموجود بودن مصوبات اعلام شود - خیلی قاطع و شفاف اعلام شد: اخراج مهرنوش موسوی از حزب و هنوز

برای اینکه نگویند "اتهام زدید" باید بگوییم رقم دقیق آن پنج روز بود! تا دوستان سرانجام نتوانستند يك اطلاعیه پایانی و اسامی اعضای کمیته مرکزی را روی کاغذ بنویسند و منتشر کنند. (اینها از شرایط سخت و دشوار کنگره مخفی است که نوشتن ۱۵ سطر به اندازه خود کنگره وقت میگیرد!) و ما که با ولع اطلاعیه پایانی را چند بار خواندیم و پشت و رو کردیم دیدیم که اعلام فرموده اند بعد از آنهمه بحث های سازنده به هیچ مصوبه ای نرسیده اند و دوباره به مصوبات کنگره اولشان بر میگردند!

تصدیق میکنید که از این همه دانش و عمق و راه حل واقعا باید از هیجان لرزید. و ما لرزیدیم! بعد از آنکه بالاخره کمی آرامش بدست آوردیم فکر کردیم: اما مگر همان مصوبات کنگره اول رفقا را به کنگره مخفی دوم نرساند که تازه بنشینند و بفهمند کجا ایستاده اند؟ مگر همه آن بحث های مششع آستانه کنگره دوم ثمره پرتاب کردن بحث های کنگره اول نبود؟ حالا جنبش است و این جنبش میتواند تمام معادلات سیاسی که اکنون در دنیا رشته شده است را پنبه کند. انقلاب مردم ایران علیه جمهوری اسلامی، انقلاب سوسیالیستی و آزادیخواهانه کارگران، زنان و جوانان در ایران برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی میتواند چاشنی بمب مخرب و مهیبی که در دل کره زمین کار گذاشته اند را قبل از عمل خنثی کند. حتی اگر جنگ را هم شروع کنند این نیرو میتواند بسرعت وارد عمل شود و جمهوری اسلامی را سرنگون کند و قدرت را بدست بگیرد و بهانه جنگ را از حضرات بگیرد. این يك احتمال واقعی و بسیار هم واقعی است. ما باید پیش دستی کنیم و نیشتر را بر دمل بزنییم و بگذاریم چرک و خون ها از تن جهان بیمار سرمایه داری بیرون بریزد. اگر این اتفاق بیفتد بجای گفتن جنگ و

کسی نمی داند جواب آنهمه نقد سیاسی او به مباحث اولترا راست پیش از کنگره چه بود. و این تصمیم و شیوه عمل کاملا با کنگره مخفی و آن عکس ها و آن اطلاعیه پایانی هماهنگی داشت. وجه دیگری از يك جور کمونیسم بود که شما اصلا تا بحال ندیده اید. واقعا این رفقا از "چپ سنتی" فاصله گرفته اند. اینرا این کنگره دوم با همه شکل و شمایل و مصوبات و روشنی و شوری که همه را خیره کرد، اثبات کرد.

و بعد از کنگره هم دستاوردهای دیگری از کنگره هویدا شد. اطلاعیه علیه حزب کمونیست کارگری که "ماشین تولید فحش" است و خیلی حرفهای دیگر که چون آخر شب خودمان است دیگر نمیگویییم تا مبدا خواب از سر شما هم بپرد.

ما به رفقا گفته بودیم که حواستان باشد دارید در دامن سیاست های نظم نوبنی - قومی می افتید و رفقا خوشبختانه گویا درست دم پرتگاه توقف کردند تا دوباره برگردند و از اول شروع کنند. حالا بجای قدر دانی و تشکر، ما شده ایم آن چیزهایی که حتی رویمان نمی آید تکرار کنیم و آنها شدند عاقلان تاریخ و کمونیست هایی که دارند دنیا را نجات میدهند!

شکست طلبان هرچه نداشته باشند در اوج یاس و نومیدی میتوانند به يك ریسمان آویزان شوند. و آنهم مسابقه در پرت کردن عجیب ترین کلمات کلریزه شده بسوی

حزب ما است. و ما قبلا هم گفتیم که این راه کوفته شده توسط دوم خرداد است که به شکست منجر شد. این دوستان هم خیلی که خوب کار کنند به همانجا خواهند رسید.

این آیند تابانک را از سخنرانی افتتاحیه کوروش مدرسی در کنگره دوم که منتشر شده میتوانید ببینید. نکات جالبی دارد که يك وقت دیگر باید پرداخته فعلیا يك جنبه اش خیلی چشم ما را گرفت

تا حالا فکر میکردیم فقط يك صنف خاص وطنی میتواند برای شکست و "فاجعه کربلا" چنین مرثیه بخواند. از سخنرانی کوروش که با جملاتی شعر گونه از يك رمان چارلز دیکنز شروع کرده است، به شههه افتادیم که نکند چارلز دیکنز هم يد طولایی در این سنت دیرینه شرقی داشته است. ولی تا آنجایی که ما دیکنز را جسته گریخته شناختیم نمی توانیم اینرا بگویم. اما دیکنزی که کوروش با خودش به کنگره مخفی برده گویا خیلی تحت تاثیر فضای امید بخش و پر از پاسخ و راه حل کنگره قرار گرفته و فی البداهه شعر گفته است.

يك "اتهام" خیلی گنده: کدام جنبش، کدام جریان اجتماعی در ایران امروز این چنین احساس شکست و نابودی میکند؟

شاید چارلز دیکنز جوابش را داشته باشد.

۱۹ اکتبر ۲۰۰۷

از صفحه ۵

"جنگ جهانی سوم"

۶

این نیرو گرچه بالقوه بسیار قوی است، اما بطور بالفعل خیلی آنرا فعال نمی بینیم. ولی این دوره هم دارد بسرعت پایان می یابد. چرا؟ حتی اگر از همه نشانه های شروع يك دوره جدید تعرض چپ بگوریم (به قطعنامه ما در کنگره ششم رجوع کنید) لااقل در يك جای جهان وضع این نیرو خیلی خوب است که همان يكجا اهمیت بسیاری کلیدی در کل دعوای جهان معاصر دارد: ایران.

جرج بوش میگوید اگر جلوی بمب اتم جمهوری اسلامی را نگیرید جنگ جهانی سوم میشود. اما در ایران يك جنبش گسترده و قوی انقلابی هست که بسیار رادیکال، بسیار سکولار و بسیار آزادیخواه است. انسان و سوسیالیسم شعار این

حاکم بر دنیا را بر هم بریزیم. ولی حتی اگر جنگ را هم به ما تحمیل کنند تنها راه این است که هرچه سریعتر دولتهای خودی را پایین بکشیم و آت و اشغال های جنگ طلب و بورژوا را از کره زمین جارو کنیم.

در ایران با جنبش عظیمی که بین کارگران، زنان و جوانان وجود دارد و هر روز هم سازمانیافته تر و سوسیالیستی تر میشود، با وجود حزب کمونیست کارگری، و با وجود همه شمایی که به صفوف این حزب می پیوندید و يك اهم واقعی برای

مقابله با تهدید هولناک پیشارویمان می سازیم، ما تضمین میکنیم که از شر لنگه کش های با عمامه و بی عمامه رها شویم. امیدواریم مردم جهان هم از شر بوش و پوتین های خودشان رها شوند!

به کارگران و زنان و جوانان ایران دوخته است. پس ما حق داریم که در مقابل رجز خوانی بوش آمریکایی و پوتین روسی و گیوه وطنی، رجز خوانی خودمان را بکنیم: انقلاب کارگری، انقلاب انسانیت، انقلاب آزادی، انقلاب صلح و سعادت و رفاه بشریت. و بعنوان قدم فوری سرنگونی جمهوری اسلامی و گرفتن اختیار توسط حکومت شورایی و مسقیم مردم، جمهوری سوسیالیستی.

۷

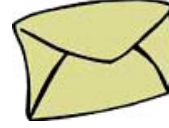
ما میتوانیم و نباید بگذاریم جنگ بشود. ما باید زودتر عمل کنیم و جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و اختیار جامعه را بدست بگیریم و تمام مردم جهان را به حمایت خود به میدان بیاوریم و نقشه جانیمان

نابودی، بلافاصله پرچم انسانیت و آزادی و سوسیالیسم در جهان برافراشته خواهد شد. يك دوره جدید در جهان شروع خواهد شد.

مردم ایران ابا تنها نیستند. هم اکنون هم ما هر روز داریم در خیابانهای استکهلم و تورنتو و فرانکفورت می بینیم که چطور دل مردم جهان با مردم ایران است نه با احمدی نژاد و نه با بوش. در همین سفر احمدی نژاد به نیویورک بروشنی دیدیم که دنیا تنها عرصه تاخت و تاز بوش و احمدی نژاد ها نیست.

يك قطب سومی هم هست که نه بوش را میخواهد و نه احمدی نژاد را. نه تروریسم اسلامی را میخواهد و نه تروریسم دولتی غرب. نه بمب اتم را میخواهد و نه جنگ را. قطب سومی که چشم به مردم ایران،

نامه های شما



آرتور از اصفهان

اسلام عامل اعدام است

در نامه‌ای به نوید مینایی: "سلام من جزء اقلیت های مذهبی هستم و در ایران زندگی می‌کنم. این روزها جمهوری اسلامی تعداد زیادی از انسان‌ها را به جرم‌های مختلف اعدام می‌کند. به نظر من دلیلش لسلام است. اسلام و آخوند‌ها چون خود را بی‌گناه می‌دانند و فکر می‌کنند از طرف خدا آمده‌اند به خود اجازه می‌دهند انسان‌های دیگر را بکشند. در حالیکه در مسیحیت همه را گناهکار می‌دانیم. و به خاطر همین هیچ کس به خود حق نمی‌دهد کسی دیگر را محاکمه کند و یا بکشد چون همه گناهکارند. امروزه همه دنیا با اسلام مشکل دارند و این به دلیل اینست که در تعالیم اسلام قتل و کشتار آزاد است و در قرآن می‌گوید بکشید غیر مسلمانان را در حالیکه مسیح خودش کشته شد و به صلیب کشیده شدو هیچکس را نکشت و اصلا در مسیحیت سنگسار نداریم. به خاطر همین امروز به نظر من باید تعالیم مسیح را سرلوحه کارهایمان قرار دهیم. تا کسی دیگری را نکشد و اعدام و قتل و کشتار پایان‌پذیرد."

ج.ک: آرتور جان به یک معنی شاید بشود گفت این همه قتل و کشتار در ایران زیر سر اسلام است. اسلام نه به عنوان اعتقاد شخصی افراد بلکه اسلامی که در قدرت است، یعنی اسلامی که در سیاست فعال است و قدرت دارد که ما اسمش را می‌گذاریم "اسلام سیاسی". اسلام سیاسی یک پدیده مربوط به دوران حاضر است که ساخته و پرورده سرمایه داری عصر حاضر و مشخصا دول غرب و به خصوص آمریکا است. آمریکا و سایر کشور های بزرگ سرمایه داری در سال ۵۷ به خاطر مقابله با انقلاب مردم در ایران به خاطر اینکه شاه و سلطنت توانسته بود مردم را ساکت کند و سرکوبشان کند و به خاطر نیروهای چپی که در انقلاب ایران درگیر بودند و در واقع نیروهای اصلی آن بودند منافع سرمایه داری را در ایران در خطر می‌دید، و همچنین به خاطر امکان نفوذ و گسترش قدرت شوروی که رقیب

آخوند‌ها و یا کشیشان، کشیشان قرون وسطی هم که انسان‌ها را آتش می‌زدند و از برج و کوه به پایین پرتاب می‌کردند هم حتما این حس گناه را که تو می‌گویی داشته‌اند ولی این حس مانع قتل و کشتارشان نمی‌شد. حکومت‌های مذهبی دستشان برای قتل و کشتار باز تر از حکومت‌های غیر دینی ست. این به نظر من خیلی به محمد و مسیح و این‌ها مربوط نیست. قتل و کشتار امروز رخ می‌دهد، دلیلش را هم در همین امروز باید جستجو کرد. در مورد مسیحیت و حکومت‌های مسیحی، حکومت‌های مسیحی هم در قرن‌های گذشته سابقه‌شان از حکومت اسلامی امروز حاکم در ایران بهتر و انسانی‌تر نیست. کافی ست یک سری به زیر زمین کلیسای "DOM" در کلن آلمان بزنی تا وسایل شکنجه حکومت‌های مسیحی را ببینی. همین امروز هم پاپ و دم و دستگاه کلیسا در نقش مبلغ عقب مانده ترین عقاید ظاهر می‌شوند و در تحقیر و عقب‌نگه داشتن جامعه از هیچ کوششی فروگذار نیستند. ولی مسئله اینجاست که مسیحیت دوره رنسانس از حکومت بیرون رانده شد و قدرت کشتار و شکنجه و زنان را از آن گرفتند و در کلیسا مجبوسش کردند. ولی امروز می‌بینی که مثلاً بوش و راست‌ترین و جانی ترین بخش‌های هیات حاکمه آمریکا که تا همینجا کلی آدم در عراق کشته‌اند مذهبی‌ها و مسیحی‌های دو آتشیه‌اند. خلاصه آرتور جان مذاهب فقط بیان منافع طبقات حاکم و دولت‌ها برای حاکمیت آنها است. البته یک وجه مذهب هم این است که الیتمی بر رخ مردم زحمت‌کشی باشد که در این دنیا جز بدبختی چیزی نصیب شان نمی‌شود. خیلی‌ها هم اسلام اینجوری را قبول دارند و می‌گویند این اسلام آخوند‌ها اصل نیست و تقلبی است. ولی در هر حال همه اینها خرافه است. ما انسان‌ها برای اینکه با هم مهربان باشیم و همدیگر را نکشیم به خدا احتیاج نداریم. به تغییر آن وضع اجتماعی نیاز داریم که خدا و مذهب و اعدام و کشت و کشتار را بوجود می‌آورد. قربانت، نوید.

آرمان از انگلیس

کسی کمک نکرده!

"مصطفی جان من الان در انگلیس هم و منتظر هستم، و هنوز کسی به من کمک نکرده است."

ج.ک: آرمان عزیز ما وضعیت شما را با رفقای فرانسویون پناهندگان در میان گذاشتیم و بازمه یادآوری کردیم. امیدواریم هرچه زودتر اوضاع شما بر وفق مراد بشود.

جمال زمانی آلمان

چارلز دیکنز با حال بود

"سلام مصطفی. مقاله چارلز دیکنز خیلی با حال بود. جمال"

ج.ک: جمال جان اولاً چه خوب که دوباره یاد ما کردی. ثانیاً چی آن مقاله با حال بود. کاش بیشتر توضیح میدادی. ثالثاً جهت اطلاع خوانندگان این مقاله اول در روزنه چاپ شده و شما شاید ندیده باشید. اگر جا باشد این هفته در نشریه چاپ میشود.

ایرج شهبازی دستچردی

خودکشی یا قتل یک دختر

خبری قتل مشکوک یک دختر دانشجو در همدان را که موجب اعتراضات زیادی شده را برای یک لیست و از جمله ما فرستاده‌اند:

"خبر را با هم مرور می‌کنیم: دختر بی‌گناه دانشجوی ۲۷ ساله رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی همدان به نام زهرا ب.ا. در صبح روز جمعه ۲۰ مهرماه به طور غیر قانونی به همراه نامزدش و به گفته قاضی مهدی الماسی در حین ارتکاب جرمی مشهود (این گفته قاضی مهدی الماسی، خود او را در مضان اتهام قذف (تهمت) قرار داده است) توسط ضابطین قضایی بازداشت می‌شود (تا کنون ذکر نشده است که ضابطین از چه ارگان و یا چه کسانی بوده‌اند) و به بازداشتگاه امر به معروف و نهی از منکر (منکرات) همدان منتقل شده و در عصر روز یکشنبه ۲۲ مهرماه یعنی دو روز بعد از بازداشتگاه منکرات به طور مشکوکی فوت می‌کند، به گزارش خبرنگار کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت پس از تکنیز اولیه خبر در نهایت الماسی معاون تحقیقات و آموزش دادگستری همدان خبر مرگ در اثر خودکشی را تایید می‌کند، از طرفی کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت در تاریخ ۲۲ مهر ۳۸۶ گزارش می‌دهد: "دیروز عصر زهرا ب.ا. دانشجوی ۲۷ ساله دانشکده علوم و همه انسانها.

پزشکی همدان پس از ۴۸ ساعت بازداشت در بازداشتگاه امر به معروف همدان با پلاکاردهای تبلیغاتی در داخل بازداشتگاه خود را خلق آویز کرد." که مطابق این خبر مشخص است زمان خودکشی! عصر روز ۲۲ مهر ماه ۱۳۸۶ یعنی عصر روز یکشنبه که روز تعطیل نبوده است رخ داده است.

مطابق خبر اعتماد، ابهامات بسیاری در رابطه با این خودکشی مطرح می‌باشد: "اطلاعات ضد و قیضی در رابطه با این پرونده از سطح شهر همدان به گوش می‌رسد و هنوز ابهامات زیادی در رابطه با خودکشی دختر بی‌گناه ۲۷ ساله وجود دارد." و از طرفی با توجه به نقض فاحش حقوق بشر در مورد این پرونده و ایراد تهمت ناروا به جان‌باخته، ابهامات بسیار جدی وجود دارد که باید بررسی شود."

پوش از خوانندگان

دارو به شیوه امام علی

از آبتین عزیز که ما هنوز سوالات هفته قبل را نرسیدیم جواب دهیم، این هفته هم دو نامه دیگر و کلی سوالات فرستادند، باید بیشتر عنر خواهی کنیم. آبتین جان قول میدهیم که حتما به نکات و سوالات شما بپردازیم. ولی این هفته واقعا وقت خیلی خیلی کم بود. همینطور باید از کامران مزین عزیز عنر خواهی کنیم که یک نامه و یک مقاله در نقد حکمتیست‌ها فرستادند و فرصت نبوده به آنها بپردازیم. ما را جدا ببخشید و امیدواریم که جبران کنیم. تنها در این فرصتی که باقیمانده میتوانیم عکسی که دوستی به نام "مجید حمیدیان" فرستاده است را اینجا بیآوریم. در این عکس که گویا در یک اداره ای چیزی گرفته شده است از امام علی نقل شده: "هیچ داروی چون صیغه شهوت را درمان نمی‌کند." اگر کسی این حرفها را در یک جامعه متملمن بزند اول خودش را به روانپزشک معرفی میکنند. تا مالیخولیا و نگاه عجیب و کثیفش به انسانها را معالجه کنند. و اگر ببینند طرف بیمار روانی نیست و جدی جدی دارد این حرف را میزند حتما او را بعنوان سازمانده فحشای شرعی و دولتی دستگیر و محاکمه میکنند. این هم عکس مربوطه البته با پوش از خوانندگان، و همه انسانها.